

مدرسه دارالفنون

- ۵ -

توجه ناصرالدین شاه به حسن اداره مدرسه و سرکشی مداوم وی، دیگر درباریان و بزرگان را نیز ظاهراً حامی و پشتیبان این مرکز علمی کرده بود. صدراعظم و حاکم تهران و دیگر کسانی که عنوان و مقامی معتبر داشتند گاهگاه از دارالفنون بازدید می کردند.

بعضی از معلمان اطریشی پس از مدتی اقامت در ایران ترك خدمت کردند و به جای آنان معلمان ایتالیائی و آلمانی و فرانسوی دعوت شدند. رویهمرفته چندتن از معلمان با وجود عدم آمادگی شاگردان در تحصیل دروس دوره عالی کوشش بسیار می کردند و بیشتر شاگردان نیز با اینکه به زبان خارجی خوب آشنا نبودند در کسب دانش و هنر آنقدر که می توانستند جهد می ورزیدند.

۱- «... روز پنجشنبه ۷ ربیع الثانی جناب جلالتمآب صدراعظم بجهت انتظام و رسیدگی به امر مدرسه دارالفنون با جمعی از نوکران دربار هما یون که وجود آنها بجهت تمشیت امر آنجا لازم بود به مدرسه مزبور رفتند. اول معلمین مدرسه را فردا فرد خواستند و تلافیف و تشویق به آنها نمودند. بعد عالیجاه مقرب الخاقان میرزا فتح الله لشکر نویس باشی هر دسته از متعلمین فر پیاده نظام و سوار نظام و توپخانه و غیره را در حضور جناب معظم الیه سان دیده و بعد از آن هر دسته را تکلیف به مشق نمودند و هر يك در فن مختص خودش با اینکه مبتدی بوده و هنوز چندان کار نکرده بودند خوب حرکت نموده مشق آنها پسندیده افتاد و به ترقی آنها اطمینان حاصل آمد، (شماره ۵۳ روزنامه وقایع اتفاقیه مورخ دوشنبه ۱۴ ربیع الثانی ۱۲۶۸).

«... در روز دوشنبه ۱۵ این ماه به دارالفنون رفته و به کار معلمین و متعلمین آنجا رسیدگی فرمودند...» (شماره ۱۳۸ روزنامه وقایع اتفاقیه مورخ ۵ شنبه ۱۸ ذی حجه ۱۲۶۹).

روزی هم غلام ملی خان ملیجک (پسر میرزا محمدخان برادرزاده زبیده خانم کردستانی «امینه اقدس» که طفلی زشت و زرد رنگ والکن بود و ناصرالدین شاه دیوانه وار دوستش می داشت و عزیز السلطان لقبش داده بود با غلام بیچه هائی که همبازی او بودند به مدرسه رفت و بی سبب دوسه نفر از معلمان وعده ای از شاگردان را کتک زد. رئیس و ناظم و آجودان و معلمان و فراشان از ترس بد آمدن شاه مانع کار زشت آنان نشدند. روز بعد محمد حسین خان ادیب الدوله گزارش به عرض سلطان رساند اما شاه تبسمی کرد و چیزی نگفت و ملیجک را مؤاخذه نفرمود!

ظاهراً بعضی از معلمان از آمدن به ایران پشیمان شده بودند زیرا از يك سو از بیماریهای مختلفی که گاهگاه شیوع می یافت می ترسیدند و از سوی دیگر اوضاع اجتماعی و اداری ایران آن روز موافق طبعشان نبود. بدین جهت بعضی از آنان پس از مدتی اقامت به بهانه های گوناگون ایران را ترك گفتند^۱ و جای خود را به دیگران سپردند.

مسیو کریشش که معلم توپخانه و هندسه بود بعلمت شیوع و با که هر چند گاه یکبار در طهران پیدا میشد از اقامت در تهران اکراه داشت؛ در شیران خانه گرفته بود و بجای اینکه هر روز در دارالفنون حاضر شود و تدریس کند در هفته سه روز به دارالفنون می آمد و دو مساعی ایام سابق اوقات صرف تعلیم شاگردان خود و شاگردان درس هندسه می کرد که تلافی سایر ایام هفته را کرده باشد^۲ و برای اینکه شاگردان بیشتر از وجود این معلم استفاده کنند اردشیر میرزا حاکم تهران یکی از بیوتات نگارستان را در اختیار او نهاد که ساکن تهران شود و مرتباً به دارالفنون برود و شاگردان را درس بدهد^۳.

برای آگاهی بیشتر به سازمان و برنامه و چگونگی پیشرفت شاگردان دارالفنون مطالعه این مطالب که درست یک سال پس از افتتاح مدرسه در روزنامه وقایع اتفاقیه درج شده شده^۴ خالی از لطف و فایده نیست:

«... و چون از دوماه قبل از سال سیچقان میل که اول بنای مزبوره بود تفصیل امورات متعلقه به مدرسه در روزنامه نوشته نشده بود لهذا اجمالاً سطرهای از آن نوشته می شود که آگاهی اجمالی حاصل گردد. در این مدت اگرچه هر روز شاگردان به درس خود حاضر می شدند و لکن بنای مدرسه که بنائی عالی و طرحی جدید مشتمل بر پنجاه حجره منقش مذهب و وسیع بود به اتمام نرسیده بود در این روزها به اتمام رسیده و هشت علم را که هر يك محتاج الیه امور مملکت و سپاهی و رعیت است به قانون سایر دول در آنجا تعلیم می دهند، و معلمین نمساعی و غیره را که حاضر نموده اند بجهت هر يك بتفصیل ذیل شاگردان را از اخلاف و نتایج شاهزادگان عظام و امراء عظاما مقرر داشته اند و بجهت بعضی از آنها موجب برقرار فرموده و سایرین را انعام مستمری و ماهانه مرحمت فرمودند و لباس زمستانی از ماهوت و تابستانی خارا و نهار مطبوع رنگین معین داشته و در سالی سه بار حکم به امتحان آنها می شود و در هر امتحانی به اندازه ترقی انعام و نشان مرحمت می شود. در امتحان اول که شد يك ثلث از شاگردان به انعام و نشان ممتاز شده و باقی نیز فراخور ترقی از انعام اعلی حضرت پادشاهی بهره مند گردیدند و تفصیل معلمین و مترجمین و متعلمین از این قرار است:

- ۱ - بزرگترین علت مراجعت معلمان اتریشی به اروپا بدرفتاری اعتمادالدوله نسبت به آنان بود (به تحریک کلنل شیل وزیر مختار انگلیس). ۲ - شماره ۱۴۰ روزنامه وقایع اتفاقیه.
- ۳ - روزنامه وقایع اتفاقیه شماره ۱۳۸ مورخ ۵ شنبه ۱۸ ذی حجه ۱۲۶۹
- ۴ - شماره ۹۸ روزنامه وقایع اتفاقیه مورخ ۵ شنبه ۵ ربیع الاول و شماره ۹۹ مورخ ۵ شنبه ۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۹



ملکم خان

معلم هندسه علیچاه میرزا ملکم است و به شاگردان دودرس می گوید یکی درس حساب و هندسه عام است که جمیع شاگردان می خوانند و یکی درس خاص است که به دوازده نفر شاگردان با استعداد مطالب عالییه هندسه را از قواعد محکمه و صنعت نقاشی و علم جغرافیادرس می گوید و خوب ترقی کرده اند .

معلم علم توپخانه عالیچاه مسیو کرشش است و مترجم او میرزا زکی . شاگردان مشارالیه بیست و شش نفرند . در این مدت بسیار خوب تحصیل کرده اند . علم توپخانه و علم هندسه و حساب و علم جغرافیا و مشق توپ و مشق پارا به ترتیب ایام هر روز در کمال جهد و جهده مشغول بوده اند تا کنون که به تصدیق معلم و مترجم پنج نفر از ایشان بسیار زیاده از حد ترقی کرده اند چنانچه در امتحان اول صاحب نشان شدند و سایرین نیز بتفاوت بسیار خوبند .

معلم پیاده نظام عالیچاه قولونل مطراتسو ایتالیائی که با سایر صاحبمنصبان همراه خود در سلك چاکران دولت علیه منسلک بودند و مشارالیه با کمال شایستگی و آراستگی هر روزه در میدان مشق بیرون شهر مشغول مشق جمیع افواج رگابی بوده و بسیار خوب از عهده برآمده چنانچه خود از مشق افواج اظهار مسرت می نمود .

«خدمت تعلیم شاگردان مدرسه را نیز محض شوق به خدمتگزاری این دولت علیه به عهده خود گرفته سی نفر شاگردان پیاده نظام را با آجودانهای افواج در مدرسه درس می گوید و عالیچاه عیسی خان خلف جناب جلالتمآب صدراعظم که سابق در نزد مرحوم علیرضاخان درس می خواند و بسیار خوب ترقی کرده بود بایست نفر از اولاد اشراف و بزرگان که آنها نیز

در نزد مرحوم علیرضا خان درس می خواندند حال در مدرسه در نزد عالیجاه قوالونل مطراتسو درس می خوانند و مشارالیه می گوید اگر چه هنوز شاگردان مدرسه را امتحان نکرده ام ولی بسیار خوبند و هیچ نسبت به شاگردان مدارس که در سایر دول دیده اند ندارند . چنانکه حال ده نفر از این شاگردان قابل آتند که هر يك ده فوج را به قانون علمی مشق و تعلیم بدهند و حال نیز هر روزه شاگردان قابل در بیرون شهر مشغول مشق دادن افواجند .

«معلم علم سواره نظام موسیو نمیرو است و مترجم او آندره خیاط نمساویست و شاگردان او پنج نفرند که مقرر است در مدرسه علم سواره نظام بیاموزند ولیکن سیصد نفر سوار بجهت مشارالیه معین فرموده اند با صاحب منصبان سواره هر روز در بیرون دروازه مشق می کنند و بسیار خوب از عهده مشق موافق تعلیم معلم بر می آیند و علاوه بر آن بیست نفر از شاگردان مدرسه را مشق شمشیر می دهد و بسیار خوب مشق می کنند بعد از این معلم بنا دارد که صاحب منصبان سواره نظام را به مدرسه آورده باشا گردان خاص خود علم سواره نظام تعلیم کند .

«معلم درس فرانسه عالیجاه مسیو ریشار فرانساویست که در سایر علوم نیز مهارتی تمام دارد و به عموم شاگردان درس زبان می گوید و قریب به ده نفر از آنها مهارت به تکلم می توانند نمود و معلمین انصاف می دهند که در مدارس سایر دول ، زبان را در عرض پنج سال می توانند آموخت و اینها در اندک زمان به این مقام رسیده اند که خوب زبان یاد گرفته اند .



۱- مسیو ریشارد خان پدر یوسف مؤدب الملک و همان مسیو ژول ریشار فرانسوی است که در زمان محمد شاه به ایران آمده بود . ژول ریشار در سال ۱۲۳۱ هجری قمری تولد یافت و روز ۱۱ شوال ۱۳۰۸ قمری برابر ۱۸۹۱ میلادی در هفتاد و پنج سالگی در تهران در گذشت و در محل موسوم به آب انبار قاسم خان که در راه تهران به حضرت عبدالعظیم است دفن شد . موسیو ژول پس از قبول دین اسلام میرزا رضا خان نامیده شد و تا آخر عمر معلم فرانسه دارالفنون بود . یوسفخان مؤدب الملک (مسیوریشار) که روز ۲۷ شعبان ۱۲۸۵ (مطابق با سیزدهم دسامبر سال ۱۸۶۸ در تهران تولد یافته بود ، سالها در دارالفنون زبان فرانسه تدریس می کرد . او روز چهارم خرداد ۱۳۱۴ مطابق ۲۲ صفر سال ۱۳۵۴ قمری در شصت و شش سالگی در گذشت و در امامزاده عبدالله بخاک سپرده شد .